

تعامل با خانواده در سنت رضوی (رویکرد تبارشناسانه)

سید علیرضا واسعی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۵

چکیده

امامان معصوم^(ع) در تفکر شیعی نه بانی شریعت الهی اند و نه در افزودن یا کاستن آن نقشی ایفا می‌کنند. آن‌چه آنان به عنوان مراجع دینی بر عهده دارند، تبیین حقیقت دیانت، بیان سنت و سیره صحیح نبوی است که در گذر زمان و دوره‌های تاریخی، عمداً یا سهواً مورد فهم و تفسیرهای مختلف قرار می‌گرفت و چه بسا از مسیر اصلی خویش دور می‌افتاد. این مقاله که با انگیزه تبارشناسی یکی از آموزه‌های اخلاقی یعنی سنت تعامل با خانواده در سیره رضوی شکل گرفته، بر آن است تاریخچه‌ها و منابع سخنان امام رضا^(ع) در خصوص مسئله پیش‌گفته را بکاود و نشان دهد از منظر آن حضرت، این مقوله که امروزه نیز مثل همیشه از مسائل پیچیده، مهم و تا حدی مبهم است و هر کسی از زاویه‌ای به آن نگریسته، چگونه انعکاس یافته است. این که اساساً تشکیل خانواده با چه شرایطی است، چه نوع رابطه‌ای می‌تواند به تحکیم و تداوم آن بینجامد و زندگی متعالی و درخوری را به ارمغان آورد از دغدغه‌های کانونی است، اما این که در زبان و سیره امام رضا^(ع) در این باره چه آمده و مهم‌تر از آن، داده‌های ایشان از چه سرچشمه‌ای ناشی شده و به تعبیر دیگر مناشی و تبار آن‌ها چیست؟ پرسش اصلی و محوری است که با بررسی روایات منقول از امام و تطبیق آن با سخن پیشینیان بدان پاسخ خواهیم داد. فرضیه نویسنده آن است که انگیزه محوری امام در استناد به کلام رسول خدا (ص) و پیشوایان پیشین، علاوه بر دغدغه احیای سنت اسلامی و ترویج ارزش‌های دینی، ایجاد پشتوانه برای سخنان و اظهار نظرهای خویش است، عاملی که در تبلیغ و تبیین دین برای تنفیذ کلام و تسلیم مخاطب ضرورت دارد.

واژه‌های کلیدی:

امام رضا^(ع)، سیره رضوی، تبارشناسی، تعامل، احیای سنت.

مقدمه

شناخت ریشه‌های روایات امامان که در حوزه‌های مختلف بیان شده، از یک سو به تصویر الگوی درست تبلیغ دین می‌انجامد و از سوی دیگر موقعیت علمی و اجتماعی آنان را نشان می‌دهد. در نگرش شیعی، پیشوایان مذهبی مراجع دینی اند^۱ که راه و هدف پیامبر (ص) را که هدایت آدمیان و نشان دادن بهترین طریق زندگی است، دنبال می‌کنند و از این منظر، شأنی آسمانی دارند، زیرا همچون رسول خدا (ص) متکفل بیان روزآمد دیانت و پاسخ‌گویی آن متناسب با نیازهای زمانه‌اند، جز آن که به آنان وحی نمی‌شود. بی‌گمان امامان، هر چند با روش‌ها و کنش‌های مختلفی به نقش آفرینی پرداختند، اما همانند انسان واحدی در طول ۲۵۰ سال به بیان شریعت اسلامی روی داشته‌اند و تفاوت‌های رفتاری و اقدام‌های به ظاهر ناهمگونشان زاده اقتضائات زمانی و محیطی ادوار مختلف بوده است (ر.ک صدر، ۱۳۸۲). آنان بیش از هر چیز بر آن بودند تا اسلام واقعی و سنت صحیح نبوی را عرضه دارند و در پرتو آن هدایت و رهبری جامعه را به دوش کشند.

امامان به رغم آن که خود از شأن والا و جایگاه علمی برخوردار بودند، در روایات بسیاری سلسله اسناد کلام خویش را بیان کرده و در بیشتر موارد آن را تا رسول خدا (ص) رسانده‌اند، تا آن جا که از منظر بیرونی، گویی داده‌های آنان، رهیافتی به روایات نبوی و قرآنی یا خوانشی از سخنان آن حضرت بود که البته در مقایسه با کلام دیگران از اعتبار و اتقان دینی بهره دارد؛ از این رو تبارشناسی کلام آنان در ارائه تصویر واقعی تر از سنت نبوی بسیار ارزشمند است، چنان که

۱. مرحوم طباطبایی به درستی اشاره می‌کند که آن چه شیعه را با اکثریت تسنن جدا می‌سازد، دو مسئله خلافت اسلامی و مرجعیت دینی بود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۵).

موقعیت آنان را در ذهنیت پیروانشان باز تعریف می‌کند.

امام رضا (ع) به عنوان یکی از پیشوایان معصوم که در دوره حساسی از عهد امامت زیسته است،^۲ به چنین شیوه‌ای روی داشته و در بیان خویش از استناد به کلام پیشینیان، مثل رسول خدا (ص) امام علی (ع) و پدرانش بهره می‌گرفته است. این که به راستی چرا چنین می‌کرده‌اند و اساساً چه روایاتی بدین گونه عرضه شده، جای جست و جو و ژرف اندیشی دارد. این مقال با این رویکرد که سخنان امام رضا (ع) در حوزه تعامل با خانواده چه میزان برگرفته از کلام پیشینیان است، در مقام تبارشناسی بر آمده و بر آن است تا دسته‌ای از روایات مرتبط با چگونگی تعامل با خانواده را در نگاهی ریشه کاوانه، به عنوان نوع نمون در چهار حوزه همسرگزینی و شرایط ازدواج، حقوق همسر، توجه به فرزند و تکریم والدین، مورد مذاقه قرار دهد. هر چند استقصا و جمع آوری یکایک روایات مرتبط با موضوع، مجال و زمان دیگری می‌طلبد، چنان که پرداختن به محتوای روایات نیازمند تتبع و رویکردهای دیگری است. با این تذکار که مراد از سیره در این نوشتار، معنای عام آن و بیشتر ناظر به گفتار یعنی احادیث و روایات آن امام است.^۳

این مقاله به حکم نوع نگاهی که دارد از دو بخش متمایز از هم شکل می‌گیرد. بخش اول به رازکاوی استناد امام به سخن پدرانش تا پیامبر (ص) می‌پردازد و بخش دیگر مصادیقی از روایات با شاخص پیش گفته را در چهار حوزه مذکور دنبال می‌کند.

۲. امام رضا (ع) در زمانی رهبری جامعه شیعی را به دوش کشید که از یک سو در تداوم امامت میان پیروان امامان پیشین تردیدی پدید آمد (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۶: ۱۲۳ به بعد) و از دیگر سو پرسش‌های نوآمدی با ترجمه کتب بیگانه ذهن مسلمانان را به خود درگیر کرد. (ر.ک: صفا، ۱۳۷۱: ۴۲ به بعد)

۳. سیره معنایی عام دارد که هم حوزه عمل را در بر می‌گیرد و هم حوزه سخن را. در این نوشتار بیشتر این حوزه گفتار است که مد نظر قرار دارد.

بخش اول: راز گشایی استناد به کلام پیامبر (ص)

امام یا پیشوا در ذهنیت اعتقادی شیعه، به عنوان کارشناس اسلام، البته بالاتر از مجتهد و از جانب خدا (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۲) و متصدی رهبری اجتماع، مأموریت تبلیغ دین و تفسیر کتاب خدا، اصلاح جامعه انسانی را به عنوان اساسی ترین دستور و مواجهه با ناهنجاری‌ها بر عهده دارد. برخی از اسلام شناسان و متکلمان، اصول مسئولیت او را در سه امر بنیادین دانسته‌اند؛

۱. بیان احکام خداوند و حفظ آن، ۲. اجرای احکام اسلام و قوانین آن، ۳.

اداره امر قضا و فصل خصومات. (منتظری، ۱۳۸۰: ۱۳۲)

طباطبایی در تعریف امام می‌گوید: کسی که متصدی حفظ و نگهداری دین آسمانی است و از جانب خدا به این سمت اختصاص یافته، امام نامیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۲۰) بر اساس این رویکرد، امام از شأن والایی برخوردار است و همانند پیامبر (ص) سخنانش ریشه در آسمان داشته^۴ و تبعیت از او واجب است، هر چند در عمل چنین چیزی از سوی مسلمانان محقق نشده و جز شیعیان، دیگران از پیروی او سر باز زدند.

جست و جو در روایات ائمه^(ع) و سخنان باقی مانده از ایشان، پژوهنده را با این نکته مهم مواجه می‌کند که آنان به رغم صلاحیت‌های علمی و مقبولیت‌های عمومی، روایات خود را عموماً به پدران خود و از آن طریق به پیامبر (ص) مستند می‌کردند. با اندک جست و جو و تأمل، راز این سنت را در عواملی چند می‌توان نشان داد:

۴. خداوند در قرآن به صراحت کلام پیامبر (ص) را برگرفته از وحی می‌داند و می‌فرماید: و سخن از روی هوانمی‌گوید، نیست این سخن جز آن چه بدو وحی می‌شود، او را آن فرشته‌ای بس نیرومند تعلیم داده است. (النجم، ۳-۵). وقتی سخن امام به آن حضرت برسد، عملاً کلامی آسمانی خواهد شد.

احیای سنت نبوی و یادکرد میراث دینی که در گذر زمان دچار غبار گرفتگی شده بود. پیشوایان دینی که در باور مذهبی شیعه جانشینان پیامبر (ص) به شمار می روند، به مثابه حافظان دیانت اسلامی و شریعت محمدی نقش آفرینی داشتند و به طور طبیعی می کوشیدند در سخنان و روایت گری های خویش از سنت آن حضرت پرده برداری کنند. سنتی که در گذر زمان به دلایل مختلفی مورد تحریف، جعل یا کج فهمی واقع شده بود. مسئله اقامه نماز عید فطر به سنت نبوی که موجب شگفتی مسلمانان و جبهه گیری مأمون عباسی شد، از این مقوله است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۹۰؛ فتال نیشابوری، بی تا: ۲۲۷-۲۲۸) همچنین امام رضا (ع) در پاسخ به پرسشی اساسی، به خوبی از این جنبه پرده بر می دارد. او که در دوره بگو مگوهای کلامی شدید دینی و مذهبی می زیست، گاه با شبهات یا سوالاتی مواجه می شد که بی توجهی به آن ها بنیاد دیانت اسلامی را با خطر مواجه می کرد. بر پایه سخنی منسوب به پیامبر (ص) که احمد بن حنبل آن را بر زبان می آورد، خداوند آدم را شبیه به خویش آفریده است.^۵ در این سخن، آشکارا خداوند شبیه آدمیان توصیف شده است. امام رضا (ع) با شنیدن آن، مسیر رفته شده را خطا می داند و می فرماید که اینان با حذف بخشی از روایت دچار برداشت غلطی شده اند. آن گاه اصل روایت را چنین ذکر می کند که رسول خدا بر دو نفر گذشت که یک دیگر را ناسزا می گفتند. در این میان یکی به دیگری گفت: خداوند روی تو و کسی را که شبیه توست زشت گرداند. پیامبر به او فرمود ای بنده خدا! چنین نگو، چرا که خداوند حضرت آدم را شبیه او آفریده است. (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۱۵۲-۱۵۳؛ همان، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۱۹۲؛ کراجکی، ۱۳۶۹

۵. فان الله خلق آدم علی صورته.

ق: ۲۷۴) بدین گونه امام به حفظ سنت پیامبر (ص) روی می‌کند، چنان که دیگر پیشوایان معصوم در این مسیر گام بر می‌داشتند.

امام رضا (ع) در چگونگی تعامل با خانواده، بر سنت رسول خدا تأکید می‌کند و می‌فرماید: *من السنة التزویج باللیل لأن الله جعل اللیل سکنا و النساء إنما هنَّ سکن* (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵ و ۳۶۶؛ طوسی، ۱۳۶۵ ق: ۷؛ ۴۱۸؛ شهید ثانی، ۱۳۹۸ ق: ۵؛ ۸۹). از سنت نبوی ازدواج در شب بود، از آن رو که خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زنان نیز مایه آرامش‌اند. یا در روایتی زن مؤمن را به الگوگیری از حضرت زهرا (س) فرا می‌خواند، آن‌جا که زنی برای به زعم خود پارسایی را در ازدواج نکردن و بکارت فهم کرده بود، امام به او یادآور شد که اگر چنین چیزی فضیلت بود، کسی بر فاطمه پیشی نمی‌گرفت (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۲۷۰؛ مجلسی، ۱۴۱۳ ق: ۲۰؛ ۳۲۲). بنا بر این حفظ سنت اسلامی از اساسی‌ترین علل تمسک به سخن پیشینیان شمرده می‌شود.

تحکیم سخن و ایجاد پشتوانه برای آن البته عامل دیگری بود که در جامعه اسلامی راهی برتر از این تصور نمی‌شد. مسلمانان به حکم شأن پیامبر و توصیه‌های قرآنی به تبعیت از آن حضرت، (ر.ک: آل عمران، ۳۱؛ الاحزاب، ۲۱؛ الحشر، ۷) کلام مستند به ایشان را به راحتی می‌پذیرفته و برای خود حجت می‌دانستند، چنان که ائمه پیشین در میان پیروانشان از چنین جاهتی برخوردار بودند در نتیجه استناد به کلام آنان، به ویژه سخن پیامبر (ص)، موجب اعتبار یافتن مدعا می‌شد. البته در باور شیعی، کلام امام، همچون سخن پیامبر، حکم کلام خدا را دارد (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۵۴). جز آن که ضرورت‌های اجتماعی و

سم پاشی‌های صورت گرفته از سوی دستگاه حاکمیت^۶ یا رقیبان، گاه آنان را ملزم به ارائه پشتوانه و مستندی برای کلام می‌کرد.

اعتبار سخن پیشینیان به لحاظ روانی از دیگر عوامل تمسک به شمار می‌رود. آدمیان عموماً درباره آن چه غبار زمان بر آن نشستۀ ارزشی قائل‌اند، چون ناخودآگاه آن را آزموده شده می‌پندارند و گویی گذر زمان بر آن مهر تأیید نهاده است، چنان که تمسک به سنت پدران در میان اقوام پیشین ریشه در همین رویکرد داشته است، (المومنون، ۲۴؛ القصص، ۳۶) چنان که اعتبار اشیا و ابزار کهن که عتیقه شمرده می‌شود در پرتو همین نگرش قابل تبیین است. بدیهی است ائمه، از جمله امام رضا^(ع) از این عنصر برای تبلیغ و ترویج دین و پیش برد اهداف خود بهره می‌بردند.

بیان موقعیت خویش و ارائه اهل بیت واقعی که از پس روی کارآمدن عباسیان در معرض تفسیرهای غلط افتاده بود. امام به عنوان یکی از اهل بیت پیامبر (ص) و کسی که در جدال‌های کلامی پیش آمده در معرض انکار دسته‌ای از افراد، حتی شیعه قرار گرفته بود، (بغدادی، ۱۹۷۷ م: ۴۰؛ شهرستانی، ۱۳۷۸ ق، ۱: ۱۵۰؛ مفید، ۱۴۱۴ ق: ۲۵۴) با ترویج سنت نبوی، به صورت علنی موقعیت خویش را نشان می‌داد. او با این روش هم موقعیت علمی خویش را بر می‌نماید، هم جایگاه خانوادگی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد. این اقدام با در نظر داشت ادعای عباسیان که خود را مصداقی از اهل بیت معرفی کرده بودند،^۷ اهمیت بیشتری می‌یابد. چنان که دانسته است رسول خدا، در ارجح و اهمیت اهل

۶. واقعیت این است که مردم همواره احترام خاصی برای علویان، به ویژه برای امامان شیعه قائل بودند و این خود باعث شده بود تا به آنان اعتقاد و اعتمادی بیش از حد معمول داشته باشند. مأمون می‌کوشید تا به شکلی این قداست را در هم بشکند (ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۱، ۲: ۷۶).

۷. عباسیان با شعار الرضا من آل محمد، وارد کار شدند و سپس خود را به عنوان آل محمد به مردم معرفی کردند. (ر.ک: بلاذری، ۱۳۹۴ ق، ۴: ۸۲؛ طبری، ۱۳۸۷ ق، ۶: ۲۷ به بعد).

بیت فرموده بود: اَنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقَلِّينَ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَن تَضَلُّوا أَبَدًا، كِتَابُ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، إِنَّهُمَا لَن يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ...^۸ (قمی، ۱۳۸۷، ۲: ۴۴۷؛ هندی، ۱۳۶۹، ق، ۱: ۱۷۸) همچنین فرموده بود: مثال اهل بیت من در میان شما، همانند کشتی است هر که بدان سوار شود نجات می یابد و هر کس از آن سر بیچد غرق می شود (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق: ۱، ۳۰؛ نیشابوری، بی تا، ۲: ۳۴۳) بنا بر این امام بر آن بود تا حقیقت آن را نشان دهد و خود و خانواده اش را به عنوان مصداق واقعی آن که در تلاش و تکاپوی ترویج اسلام اصیل اند، به مردم بشناساند.

امانتداری که امروزه در پژوهش به عنوان رکن اصلی به شمار است، عامل دیگری برای استناد می تواند به حساب آید. بیان منبع سخن در عالم اخلاق پژوهشی که امروزه به طور جدی مد نظر قرار دارد، در میان مسلمانان از ارزش زیادی برخوردار بود، به همین سبب افراد می کوشیدند در ذکر کلامی که متعلق به خودشان نبود با بیان سلسله اسناد، منشأ آن را یادآور شوند. امام رضا (ع) که اسوه اخلاق برین و فردی امین بود، در ذکر مطالبی که از اجداد خویش اخذ کرده بود تعهد مندانه رفتار می کرد، به همین دلیل به فراوانی سخنان خود را با ذکر سلسله اسناد آن مطرح می کرد.

با توجه به نکات بیان شده، دسته ای از روایات معطوف به تعامل با خانواده مورد بازخوانی و تأمل قرار می گیرد، اما چنان که گفته شد، اساساً رویکرد مقاله از محتوا پژوهی روایات فاصله دارد و نویسنده اذعان دارد که آن دسته از مطالعات، روش و الگوی دیگری دارد و طبعاً نوشتار دیگری را می طلبد.

۸. من در میان شما دو چیز گران سنگ فرو می نهم، تا زمانی به آنها تمسک جوید، هرگز گمراه نشوید؛ کتاب خدا و عترت من اهل بیت من. خداوند لطیف آگاه بهمن خبر داد که این دو از هم جدا نمی شوند، تا این که بر حوض، بر من وارد می شوند.

بخش دوم: تعامل با خانواده در سنت رضوی

در روایات باقی مانده از امام رضا (ع)، آن چه مربوط به حوزه خانواده است، اندک نیست. امام به حکم مأموریت الهی و جایگاه سیاسی و اجتماعی، مطالب بسیاری در حوزه‌های مختلف از جمله مقوله خانواده داشته، اما آن دسته از روایاتی که با رویکرد مقاله هم سویی دارد از شمار کمتری برخوردار است و آن مقدار نیز به طور کامل مورد استناد نیست، بلکه در نگاهی گذرا، برخی از آن‌ها به صورت اجمالی مورد گفت و گو قرار می‌گیرد.

الف: همسرگزینی و شرایط ازدواج

ازدواج نقطه آغاز تشکیل خانواده است که به تعبیر امام رضا (ع) اگر سنت دینی و دستورات آسمانی نیز وجود نداشت، باز آدمی به آن عمل می‌کرد و به تحقق آن رغبت نشان می‌داد، به دلیل آن چه خداوند در آن نهاده بود، از نیکی با خویشان و پیوند با بیگانگان و نزدیک کردن قلب‌ها و دیگر فواید، انسان خردمند و هوشیار درست اندیش به سوی آن می‌شتافت (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۵: ۳۷۴؛ طبرسی، ۱۳۹۲، ق: ۲۰۶) اما برای ورود آگاهانه به این عرصه شرایطی لازم است که بی توجهی به آن‌ها مایه خسران خواهد شد. امام از طریق پدران‌ش از پیامبر (ص) نقل می‌کند که ازدواج همچون به بردگی درآوردن فرزند است. هر کس دختر خویش را به ازدواج کسی در می‌آورد، گویی وی را به بردگی او داده است، پس باید ببیند فرزند خویش را به دست چه کسی می‌سپارد. (ابن بابویه،

۹. حدثنا الرضا علی بن موسی، عن أبيه موسی، عن أبيه أبي عبد الله جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب (ع) قال: قال النبي (ص): إنما النكاح رق، فإذا أنكح أحدكم ولیدة فقد أرقها، فلینظر أحدکم لمن یرق کریمته.

۱۴۱۴ ق: ۵۱۹) غزالی در توضیح رقبت و به بردگی در آوردن می نویسد: چون اختیار دختر به دست مرد می افتد و او به هر طریقی می تواند وی را سوق دهد و پیش برد، پس باید اطراف قضیه به درستی سنجیده شود و نباید به ظالم، فاسق، بدعت گذار یا شارب خمر داده شود، در این صورت در حق او جنایت کرده، سخط الهی را به جان خریده و زمینه قطع رحم را پدید آورده است (غزالی، بی تا، ۴: ۱۳۲).

سخن امام روایتی از پیامبر اسلام (ص) است که از طریق خاصی انعکاس یافته است، طریقی که در کتب اهل سنت البته دیده نمی شود، اما به حکم سلسله اسناد مهم آن، در نگاه شیعه اعتبار زیادی دارد. امام در عین این که نکته سنجانه به مقوله تزویج دختران نظر می کند و از دادن دختر به افراد ناشایست پرهیز می دهد^{۱۰} و دسته ای از افراد را شایسته همسری دختران نمی شمارد و به تأکید می فرماید از تزویج دختران با کسی که شرب خمر می کند پرهیزید، (فقه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۲۸۰) ضمن این که از به تأخیر انداختن ازدواج بر حذر می دارد. ایشان به نقل از پدرانش، از پیامبر روایت می کند که دخترکان همچون ثمره ای بر درختند، هر گاه ثمر برسد چاره ای جز چیدن آن نیست و الا خورشید آن را فاسد می سازد و باد آن را آسیب می زند. سپس می فرماید: دختران چون به زمان خواستن چیزی برسند که زنان آن را طالب اند، درمانی جز ازدواج برای آنان نیست و گر نه چاره ای از فتنه آنان نخواهد بود (ابن بابویه، ۱۹۶۶، ۲: ۵۷۸؛ همان، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۲۶۰؛ بحرانی، بی تا، ۲۴: ۷۲؛ عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ۲: ۲۶۵).

۱۰. وقتی کسی از امام می خواهد تا در خصوص خواستگار دخترش که از خویشاوندان اوست، اما بد اخلاق است، نظر دهد، امام به صراحت می فرماید: لا تروجه إن كان سيئ الخلق. اگر بد اخلاق است به او زن ندهید. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۵۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۴ ق، ۳: ۴۰۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ۲۱: ۱۱۷). رسول خدا (ص) نیز به این مضمون سخنی دارد و می فرماید با انسان بد خلق همراه نشوید. (طبرسی، ۱۳۹۲ ق: ۲۵۱؛ مجلسی، ۱۴۱۳ ق، ۷۳: ۲۷۳).

همچنین توصیه‌هایی دارد و از مردان می‌خواهد تا کسانی را به همسری برگزینند که بتوانند زندگی خوبی را سامان دهند. امام برای این مقصود گونه‌های مختلف زنان را بر می‌شمرد و می‌گوید: بدانید زنان چند گروه اند؛ یک دسته به مثابه غنیمت اند، اینان از زنانی اند که شوهران خویش را دوست دارند و به آنان عشق می‌ورزند، دسته دیگر ماه گون می‌درخشند و جلوه‌گری دارند [اما کم‌دوام اند]، گروه سوم مانند شب تار و تاریکند. هر کس به زن شایسته‌ای دست بیابد، خوشبخت می‌شود و هر کس در دام فردی ناشایست بیفتد گرفتار می‌شود. (فقه الرضا، ۱۴۰۶: ق: ۲۳۴؛ نوری، ۱۴۰۸، ق، ۱۴: ۱۶۱؛ مجلسی، ۱۴۱۳، ق، ۱۰۰: ۲۲۴) امام گرچه در این روایت، مستند به کلام پیامبر (ص) یا پدران خویش سخن نرانده است، اما در کلام رسول خدا (ص) به این مضمون می‌توان رد پایی یافت، آن‌گاه که به شوخی به عمه خود صفیه می‌فرماید: بیز زنان به بهشت نمی‌روند و چون با شگفتی او مواجه شد به استناد آیه قرآن: **إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً * فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا * عُرُبًا أَتْرَابًا**^{۱۱} فرمود که خداوند زنان شوهر دوست را به صورت دیگری در می‌آورد. (حلبی، ۱۴۲۷، ق، ۳: ۴۴۰) بر اساس این روایت، زن شوهر دوست در روز قیامت صورتی جوان و خواستنی می‌یابد.

امام در کلامی دیگر، به نقل از پدرانش از امام علی (ع)، ویژگی‌های زن شایسته همسری را چنین بر می‌شمرد: بهترین زنان شما کسانی اند که پنج ویژگی دارند. گفته شد: یا امیر المؤمنین آن پنج ویژگی کدام است؟ امام فرمود: زن ساده گیر، نرم خو و بردبار که وقتی شوهرش خشمگین می‌شود تا به دست آوردن رضایت او چشم بر هم نمی‌گذارد و در غیاب شوهرش او را در مال و آبرو حفظ می‌کند. این

۱۱. آن زنان را ما به گونه خاصی آفریدیم و دوشیزگان قرار دادیم که معشوق همسران خویشند. (الواقعه، ۲۵-۳۷)

زن عاملی از کارگزاران خداست و کارگزار خدا ضرر نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۳۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۳۷۰؛ مفید، ۱۴۱۴ ق، ۳: ۳۹۳). برابر این روایت، امام مستند به کلام حضرت علی^(ع) پیش می‌رود، از آن رو که در جامعه دینی آن زمان، امام علی^(ع) از جایگاه و اعتبار والایی برخوردار بود.

ب: حقوق خانواده

نظام خانواده با تقسیم کار و پذیرش مسئولیت‌ها همراه است و این از شئون زندگی اجتماعی آدمیان است؛ همین که دو انسان در کنار یکدیگر قرار گرفتند، با تعارض سلاقی و تداخل فعالیت‌ها مواجه می‌شوند و چاره‌ای جز پناه بردن به ضوابطی ندارند که حوزه فعالیت‌ها و مطالبات هر یک را تعریف کند. نظام کوچک خانواده از این قاعده مبرا نیست. مرد و زن که کانون اصلی خانواده‌اند، حقوقی بر گردن یکدیگر دارند. چنان که بیان شد، زن باید فضای ملایم و آرام، مطمئن و اعتماد بخش، همراه با آسایشی را برای مرد فراهم کند، به گونه‌ای که مرد در آن احساس سکون کند، اما مرد نیز باید به تکالیف خویش عمل کنند. مهم‌ترین حق در زندگی خانوادگی و وظایف زناشویی است که در تداوم حیات انسانی اهمیت به سزایی دارد، هر چند در برخی از ادوار و جوامع به سقوط عجیبی کشیده شده (دورانت، ۱۳۷۰: ۱۶۲ به بعد) اما در شریعت محمدی هم چنان مورد تأکید اصولی است. امام رضا^(ع) این وظیفه را به عنوان حقی مسلم برای زن می‌شمارد که در هر حال باید ادا شود، جز آن که با خواست و رضایت همسر همراه باشد.^۲ البته

۱۲. روایة صفوان بن یحیی انه سال الرضا (ع) عن رجل یكون عنده المرأة الشابة فیمسک عنها الأشهر والسنة لا یقریها لیس یرید الاضرار بها لهم یكون مصیبة یكون فی ذلك انما قال إذا ترکها أربعة أشهر کان انما بعد ذلك الا ان یكون باذنها (طوسی، ۱۳۶۵ ق، ۷: ۴۱۲؛ ابن مطهر حلی، ۱۴۱۴ ق، ۲: ۵۷۷).

در روابط زناشویی آداب بسیاری مورد عنایت است که مهم‌ترین آن حفظ شئون و نجات آن است که همیشه به منزله حریمی مقدس دیده شده است. در روایتی آمده است که سه چیز را از کلاغ بیاموزید که یکی از آن‌ها زناشویی در خفا و مکان پنهانی است.^{۱۳} اما علاوه بر آن، سه حق بسیار مهم مورد تأکید امام است؛ یکی تأمین مخارج زندگی به قدر وسع و صلاحیت، دیگر ملاطفت و محبت و سه دیگر تأمین نیاز زیبایی شناسانه و ارضای لذت بصری است که هر یک از بنیادی‌ترین مسائل در تحکیم نظام خانواده است.

۱. ب. فراهم سازی زندگی آسوده و فراخ؛ به روایتی از آن حضرت، هر کسی به فضل الهی در پی تأمین معیشت خانواده خویش باشد، پاداشی برتر از اجر مجاهد در راه خدا خواهد داشت،^{۱۴} چنان که رسول خدا (ص) فرموده بودند: کسی که بار خویش بر دوش دیگر بگذارد و کلّ بر مردم شود، ملعون است. این از شئون اولیه آدمی زاده است که برای پیش برد زندگی خود بکوشد و وبال دیگری نشود. همچنین امام به تأکید می‌فرماید که مرد باید به قدر توان خود در ایجاد آسایش زندگی برای خانواده‌اش بکوشد (مجلسی، ۱۴۰۶، ق: ۶، ۴۶۰) و به نقل از رسول خدا (ص) آورده است که سزاوار است مرد برای عیالش ایجاد وسعت کند و او را در فراخی قرار دهد تا آرزوی مرگ شوهر را نکند. سپس آیه: *وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا* (الانسان، ۸) را قرائت کرد و فرمود: خانواده مرد به مثابه اسیر اوست و بایسته است هر گاه در رفاه و دارایی

۱۳. دو مورد دیگر که خود از اهمیت به سزایی بهره دارند؛ سبیده دم به دنبال تأمین روزی رفتن، و حزم و احتیاط در امور زندگی است. رک: (مجلسی، ۱۴۱۴: ۵، ۱۵۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳، ق: ۹۹؛ فتال نیشابوری، بی تا: ۴۵۶).
۱۴. عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: الذي يطلب من فضل الله ما يكف به عياله أعظم أجرا من المجاهد في سبيل الله. (کلبنی، ۱۴۰۷: ق: ۵، ۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ق: ۶، ۴۶۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ق: ۴۴۵).

قرار گرفت اسیران خویش را در فراخی و آسایش بیشتر قرار دهد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۱۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۶۸) در روایتی دیگر امام آن را بر گردن مرد واجب دانسته که صاحب نعمت باید فراخی برای همسرش ایجاد کند. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۴۲) البته روشن است که در تأمین زندگی مناسب و ایجاد فراخی، رعایت اعتدال لازم است، چنان که عبد الله بن ابان می گوید از ابوالحسن الرضا در خصوص نفقه پرسیدم. فرمود: مَا بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ الْاِسْرَافُ وَالْاِقْتَارُ. بین دو امر ناپسند قرار دارد؛ زیاده روی و خسیسی. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۵۵) مدیریت خانواده به گونه ای که هم فراخی پدید آورد و هم راه اسراف نیماید برای همگان آسان نیست. توصیه هایی این چنینی که با رعایت حد وسط باید پیش رفت، در دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است. گسترده‌ی خانواده نیز مانع فعالیت های اجتماعی و انسانی خواهد شد، به همین سبب امام رضا^(ع) به استناد سخن پدران خود (نهج البلاغه، ۱۳۶۸: خطبه ۱۴۱) و رسول خدا (ص) (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۱۱۶) کم بودن اعضای خانواده را یکی از دو آسودگی می داند که مورد دیگر آن کثرت مال است، (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۵۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۵۳۲؛ مغربی، ۱۳۸۳ ق، ۲: ۲۵۵) بدان جهت که با کمی اعضای خانواده امکان یاری رسانی و انفاق به دیگران فراهم تر می شود. (بیهقی، ۱۴۰۹ ق: ۴۲۷)

۲. ب. رفتار ملایم و عاطفی؛ خوش رفتاری و ملایمت در زندگی از حقوق دیگر خانواده است که امام با ذکر سلسله سند از پدرانش از پیامبر (ص) نقل

تعامل با خانواده در سنت رضوی (رویکرد تبارشناسانه) ❖ ۲۶۵

می‌کند که آن حضرت فرمود: نزدیک‌ترین فرد به من در روز قیامت کسی است که نیکوترین اخلاق را دارا باشد و بهترین رفتار را نسبت به خانواده‌اش داشته باشد. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۴۱) همچنین در روایتی از رسول خدا (ص) آورده که آن حضرت فرمودند: نیکوایمان‌ترین آدمیان، کسانی‌اند که نیکوترین اخلاق را دارند و نسبت به خانواده خویش ملاحظت‌آمیزترین رفتار را پیشه می‌کنند. سپس می‌فرماید من نسبت به خانواده‌ام، پر لطف‌ترینم.^{۱۵} امام برای ترغیب همسران به محبت با خانواده، به نقل از نبی گرامی آورده است که آن حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی در برابر جنس مؤنث در مقایسه با جنس مذکر رؤف‌تر است. سپس فرمود: مردی نیست که شادی‌ای در دل زنی که بینشان حرمتی است، ایجاد کند، جز آن که خداوند در روز قیامت او را شاد می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۶؛ فیض کاشانی، بی تا، ۳: ۱۱۹) دستوراتی این‌چنینی که اصول استوارسازی نظام خانواده شمرده می‌شود، در قالب‌های گوناگونی مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. ب. تأمین نیاز زیبایی شناختی؛ علاوه بر حقوق گفته شده، امام بر عنصر دیگری انگشت می‌نهد که در نگاه اولیه چندان به چشم نمی‌آید و آن توجه به نیاز زیبایی شناختی و التذاذ بصری است. حسن بن جهم می‌گوید به علی بن موسی گفتیم: آیا خضاب کنم؟ امام فرمود: آری با حنا و گیاه رنگ مو (کتم) چنین کن. سپس ادامه داد آیا می‌دانی که در این عمل پاداشی نهفته است؟ بعد فرمود: به راستی که زن دوست دارد از تو همان چیزی را ببیند که تو دوست داری در او ببینی؛ یعنی آماده شدن برای همسر! امام هم چنین ادامه داد که دسته‌ای از زنان

۱۵. قال (ع): قال رسول الله (ص): أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَطْفَهُمْ بِأَهْلِهِ، وَ أَنَا أَطْفَعُكُمْ بِأَهْلِي. (مجلسی، ۱۴۱۳ ق، ۶۸: ۳۸۷). در سنن ترمذی این روایت به سلسله سند دیگر از سول خدا نقل شده است. (ترمذی، ۱۴۰۳ ق، ۴: ۱۲۲).

از عفاف به سوی فجور و پرده دری کشیده می‌شوند، از آن رو که همسرانشان خود را برای آنان آماده نمی‌سازند. امام پس از این بیان، به نقل از پدرانش نقل می‌کند؛ زنان بنی اسرائیل از عفاف به فجور کشیده شدند، چون مردانشان برای آنان خودآرایی نداشتند، در حالی که زنان از توهمانی را طلب دارد که تواز او طالبی و تمایل داری. در پایان به استناد کلام امام صادق (ع) تأکید فرمودند:

خِصَابُ الرَّأْسِ وَاللَّحِيَةِ مِنَ السُّنَّةِ.^{۱۶} با این توضیح و تفصیل، امام می‌کوشد تا یکی از مسائل مهم و ظریف در زندگی زناشویی را یادآور شود، چیزی که در ذهنیت بسیاری از مردمان به درستی جا نیفتاده است، چنان که در جوامع امروز، گویی این زنان اند که باید برای ترغیب مردانشان بکوشند، اما مردان در قبال آنان وظیفه‌ای ندارند.

تعامل صحیح زن و شوهر گذشته از این که آرامش درون خانه را پدید آورده و مایه اعتماد بیشتر می‌شود، سلامت جامعه را نیز در پی دارد، بنا بر این توجه به آن، گامی در جهت اصلاح جامعه و جهان انسانی است.

پ: توجه به فرزند

فرزند آوری و تربیت و آموزش او متناسب با تجارب و داشته‌های زمانه، جزو مسئولیت‌های پدر و مادر به شمار می‌آید. گرچه فرزند مایه سختی و به سختی در افتادن خانواده‌ها هستند، ولی سنت الهی و ناموس هستی بر تن دادن بدان استوار است. تولید نسل، تداوم هستی و گسترش آدمیت است، به همین سبب در روایات اسلامی و منقول از امام رضا (ع) آمده است که در ازدواج باید

۱۶. رنگ کردن مو و ریش از سنت اسلامی است. (طبرسی، ۱۳۹۲: ق: ۸۱، مجلسی، ۱۴۱۳: ق: ۷۳: ۱۰۲).

به زایا بودن زن توجه داشت. امام در روایتی مستند به پیامبر (ص) می‌فرماید: *تُزَوِّجُهَا سَوْدَاءَ وَلُودًا وَلَا تُزَوِّجُهَا جَمِيلَةَ حَسَنَاءَ عَاقِرًا، فَإِنِّي مُبَاهِ بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ؛* با زن سیه چرده و زایا وصلت کنید، نه با زیبایی سترون، زیرا من در قیامت به زیادی امتم از نسل شما مباهات می‌کنم. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۳۳۳)

فرزند آدمی بر انسان حقی دارد که گذشته از مراعات اوضاع او در دوران پیش از ولادت، پس از دنیا آمدن کودک وظایفی بر دوش خانواده قرار دارد، از آن جمله انتخاب نام نیکوست. امام می‌گوید: مردی پیش پیامبر آمد و از حضرتش خواست تا حق فرزندش را برای او بیان کند. رسول خدا فرمود: *تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَادْبَهُ وَوَضَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا.* در این جمله کوتاه، حقوق اصلی کودک یا وظایف بنیادین والدین بیان شده است، نام نیک، ادب و تربیت نیکو، و جایگاه و شأن والا (مجلسی، ۱۴۱۳ ق، ۷۱: ۸۵). این که نام نیکو یا نیکوترین نام‌ها چیست، باز روایاتی از امام نقل شده که در کتب روایی منعکس است (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق، ۱۵: ۱۲۷ به بعد؛ مجلسی، ۱۴۱۳ ق، ۱۰۱: ۱۳۱). این که در تربیت فرزندان چگونه باید عمل کرد و چه راهکارهایی برای آن وجود دارد، خود بحثی پر دامنه است، اما در نوع مواجهه با فرزندان سخنی از امام رضا^(ع) نقل شده که چه بسا در نگاه اولیه به آسانی قابل فهم نباشد. بر اساس روایتی، امام رضا^(ع) در پاسخ کسی که در خصوص دوستی بیشتر نسبت به برخی از فرزندان و برتری آن‌ها بر دیگران می‌پرسد که آیا پسندیده است یا خیر، امام با تمسک به سیره پیشینیان آن را جایز می‌شمارد و می‌گوید: آری! چنان که ابو عبدالله، فرزندش محمد را و ابوالحسن فرزندش احمد را بر دیگران برتری می‌دادند. پرسنده در ادامه سؤال می‌کند: آیا دختر و پسر در این زمینه برابرند؟

امام می‌فرماید: آری دختران و پسران در این زمینه برابرند، طبق آن چه خداوند در قرآن برای آنان بیان می‌فرماید (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۶: ۵۱؛ طوسی، ۱۴۰۹، ق، ۸: ۱۱۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۳، ق، ۲۱: ۴۸۶). به نظر می‌رسد آن چه در کلام امام آمده، رویکرد تشویقی است که برای دیگر فرزندان کاربست آن مجاز دیده شده است، نه تبعیض میان فرزندان. به هر روی فرزندان آدمی، همچون دیگر افراد جامعه از درجه شخصیتی متفاوتی برخوردارند و اقتضای مدیریت آن است که همگان در یک سطح قرار نگیرند.

ت: تکریم والدین

پدر و مادر در هر خانواده‌ای رکن اصلی به شمار می‌روند و کسی نمی‌تواند وجود یا اهمیت آن‌ها را انکار کند. همه آدمیان، به این نکته مهم توجه دارند، اما به نظر می‌رسد در دیانت اسلامی ارج و منزلتی بیش از حد برای آنان در نظر گرفته شده، به گونه‌ای که هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند موجب یا مجوز بی‌احترامی، بی‌اعتنایی یا کوچک شماری آنان شود. امام رضا^(ع) در این خصوص با استناد به داده‌های پیشینیان معصوم می‌فرماید: نیکی به والدین واجب است، حتی اگر مشرک باشند، جز آن که نباید از آنان در معصیت خالق پیروی کرد (مجلسی، ۱۴۱۳، ق، ۷۱: ۷۲). همچنین روایت شده که خداوند آدمیان را به سه چیز در ارتباط و پیوند با سه چیز فرمان داده است؛ به نماز و زکات مقرون به هم دستور داده است و طبعاً اگر نماز به پای دارد، اما زکات نپردازد، نمازش نیز به حساب نمی‌آید و از او پذیرفته نمی‌شود، دیگر آن که شکر خویش را به تشکر از والدین مقرون ساخته و هر کسی شاکر والدین خود نباشد، شکر الهی را نیز به جای

نیاورده است. سه دیگر آن که تقوای الهی را به صلّه رحم پیوند زده و او که صلّه رحم به جای نیاورد، تقوای الهی پیشه نکرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۲۳۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ ق، ۹: ۲۵). هم ترازوی بزرگداشت والدین با تعظیم خداوند، بالاترین سطح توجه و احترام به آنان را گوشزد می‌کند. امام در سخنی دیگر به نقل از پدر و جد بزرگوارش، از امام صادق (ع) که در زمانه خود و پس از آن دانشمندی بزرگ و صالحی در خور تعظیم شمرده می‌شد (ابوزهره، ۱۳۹۰: ۳۸) ذیل آیه قرآن که می‌فرماید: *فَلَا تُقَلُّ لَهُمَا أَفٌّ* (الاسراء، ۲۳) آورده است: اگر خداوند لفظی کوتاه‌تر از این کلمه در بیان عاق والدین می‌دانست، آن را می‌آورد و در روایت دیگری دارد که اگر خداوند چیزی ساده‌تر و سبک‌تر از این می‌دانست، از آن نهی می‌کرد. (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ۶: ۴۶۶؛ طبرسی، ۱۴۲۵ ق، ۶: ۲۴۰) علاوه بر این‌ها، دستگیری و یاری پدر و مادر نیز مورد عنایت امام قرار گرفته است. آن حضرت در کلامی مفصل، با ذکر سند از رسول خدا (ص) آورده که فردی نزد ایشان برای انفاق دو دینار در راه خدا چاره خواست، پیامبر (ص) فرمود آن راه والدین خود نفقه بده و در رفت و برگشت‌های بعدی باز پیامبر او را متوجه خانواده، همسایه و دیگر نزدیکانش می‌کند (طوسی، ۱۳۶۵ ق، ۶: ۱۷۱؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۴ ق، ۳: ۱۹۵) بدین گونه وی را متوجه افراد دور و برش می‌کند که در بذل مساعدت بر دیگران و بیگانه‌ها اولویت دارند.

نتیجه گیری

از مجموع مباحث ارائه شده، چنین به دست می‌آید که امام رضا (ع) به منظور حفظ سنت اسلامی که از رسول خدا (ص) صادر و توسط ائمه بعدی دنبال شده،

کلام خود را مستند به داده‌های آنان می‌کرد، چنان که عوامل دیگری نیز در این میان نقش داشته‌اند. آن چه در این بخش مایه تأمل است آن است که در مجموعه مستندات امام رضا^(ع) در مقوله تعامل با خانواده، تنها از سه معصوم پیشین روایت شده است؛ پیش و بیش از همه این رسول خدا (ص) است که به عنوان منبع کلام آن حضرت مورد توجه قرار دارد. علاوه بر ایشان، از امام علی^(ع) و امام صادق^(ع) نیز نقل‌های اندکی دیده می‌شود، اما از دیگر پیشوایان معصوم^(ع)، با استقراء صورت گرفته مطلبی در این خصوص دیده نشده است. اگر استقصای کامل این ادعا را تأیید کند، می‌توان بر این نکته پای فشرد که استناد به کلام آنان، غیر از احیا و گسترش سنت دینی که نقطه کانونی فعالیت‌های امامان است، بیشتر برای ایجاد پشتوانه برای نفوذ کلام خویش بوده است تا عوامل دیگر. البته این ادعا همچنان به مجالی فراخ‌تر برای تتبع، مطالعه و تأمل نیاز دارد تا امکان اعلام نظر نهایی فراهم شود.

منابع و مأخذ:

- قرآن مجید
- نهج البلاغه (۱۳۶۸)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی احسائی (۱۴۰۴ ق)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة (ج ۳)، تحقیق مجتبی عراقی، قم: سید الشهداء.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م)، عیون اخبار الرضا (ع) (ج ۱، ۲)، تصحیح حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ----- (۱۳۶۲)، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ----- (۱۳۹۸ ق)، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ----- (۱۴۰۴ ق)، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ----- (۱۹۶۶ م)، علل الشرایع (ج ۲)، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، نجف: منشورات المكتبة الحیدریة و مطبعتها

- ابوزهره، محمد (۱۳۹۰ ق)، الامام الصادق، بیروت: دارالفکر العربی.
- بحرانی، یوسف (بی تا)، الحدائق الناضره (ج ۲۴)، تحقیق محمد تقی ایروانی، قم: موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- بغدادی، ابو منصور عبد القاهر بن طاهر (۱۹۷۷ م)، الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية، بیروت: دار الآفاق الجديده.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م)، انساب الاشراف (ج ۴)، تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت: موسسه الاعلمی.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۴۰۹ ق)، معارج نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی (۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م)، سنن ترمذی (الجامع الصحیح) (ج ۴)، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۱)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ج ۲)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶)، الفصول المهمه فی اصول الائمه (ج ۹، ۱۵، ۲۱)، تحقیق محمد بن محمد حسین قائنی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
- حلبی، ابوالفرج علی بن ابراهیم (۱۴۲۷ ق)، السیرة الحلبیه (انسان العیون فی سیرة الامین المأمون) (ج ۳)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (۱۴۱۴ ق)، تذکره الفقهاء (ج ۲)، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حمیری، عبدالله بن جعفر قمی (۱۴۱۳ ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل

- البيت لإحياء التراث.
- دورانت، ویل دورانت (۱۳۷۰)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (۱۳۷۸ ق/ ۱۹۶۸ م)، الملل و النحل (ج ۱)، قاهره: موسسه حلبی و شرکا النشر و التوزیع.
- شهید ثانی، زین الدین جبعی عاملی (۱۳۹۸ ق)، الروضة البهية فی شرح اللمعة دمشقيه (ج ۵)، قم: افست.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۲)، اهل البيت تنوع ادوار و وحدة هدف، تهران: موسسه البعثة.
- ----- (۱۳۸۲)، اهل البيت تنوع ادوار و وحدة هدف، تهران: موسسه البعثة.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا واسط قرن پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۱)، شیعه در اسلام، تهران: انتشارات کعبه.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن ابی طالب (۱۴۰۳ ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۲۵ ق)، مجمع البیان (ج ۶)، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، ابونصر حسن بن فضل (۱۳۹۲ ق/ ۱۹۷۲ م)، مکارم الاخلاق، بیروت: منشورات الشریف الرضی.
- نوری، میرزا حسین بن محمد تقی طبرسی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک

- الوسائل (ج ۱۴)، قم: موسسه آل البيت.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوك) (ج ۶)، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۶، ۸)، تحقیق: احمد حبیب قصیر عاملی، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- -----، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام (ج ۳، ۷)، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- -----، (۱۴۱۴)، الامالی، قم: دارالتقافة للطباعة و النشر و التوزیع.
- عطاردی، عزیز الله (۱۴۰۶ ق)، مسند الإمام الرضا أبي الحسن علی بن موسی علیهما السلام (ج ۲)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- غزالی، ابو حامد (بی تا)، احیاء علوم الدین (ج ۴)، بیروت: دارالکتب العربی.
- فتال نیشابوری، ابو علی محمد بن حسن (بی تا)، روضة الواعظین، قم: منشورات الرضی.
- فیض کاشانی، محمد حسن بن مرتضی (۱۳۶۵)، الوافی، تحقیق ضیاء الدین حسینی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (ع) العامه.
- -----، (بی تا)، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات مهر وابسته به جامعه مدرسین.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ ق)، تفسیر القمی (ج ۲)، تصحیح و تعلیق و تقدیم: سید طیب موسوی جزایری، نجف: مطبعة النجف.
- کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی (۱۳۶۹ ق)، کنز الفوائد، قم: مکتبة المصطفوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی (ج ۱، ۴، ۵، ۶)، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۳ ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع) (ج ۲۰، ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۱۰۱)، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- -----، (۱۳۶۳)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ ق)، لوامع صاحبقرانی فی شرح من لا یحضره الفقیه (ج ۵)، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- -----، (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ج ۶)، علی پناه اشتهااردی و حسین موسوی کرمانی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶)، مکتب در فرایند تکامل، تهران: کویر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، امامت و رهبری، تهران: انتشارات صدرا.
- مغربی، قاضی نعمان (۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳ م)، دعائم الاسلام (ج ۲)، آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره: دارالتعارف.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م)، الفصول المختاره (ج ۴)، تحقیق سیدعلی میرشریفی، بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع.

- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۰)، نظام الحكم في الاسلام، تهران: انتشارات سرايی.
- الفقه المنسوب الى الامام الرضا (ع)، تحقيق مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، مشهد: كنگره جهانی امام رضا (ع).
- نیشابوری، ابو عبدالله حاکم (بی تا)، المستدرک (ج ۲)، یوسف عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دارالمعرفه.
- هندی، علاء الدین علی متقی ابن حسام الدین (۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۹ م)، کنز العمال (ج ۱)، بیروت: مؤسسة الرساله.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی